



طب فریدی

به کوشش:

محمد تقوی

www.ketab.ir

سرشناسه	: فریدالدین
عنوان و نام پدیدآور	: طب فریدی/به کوشش محمد تقوی.
مشخصات نشر	: تهران: منشور سمیر، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۲۷ ص.
فروست	: احیای میراث پزشکی اسلام و ایران: ۲۶
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۸۳-۳-۹۷۷
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: پزشکی سنتی -- منون قدیمی تا قرن ۱۴ تقوی.
شناسه افروده	: محمد، ۱۳۷۲، گردآورنده
رده‌بندی کنگره	: R۱۲۵/۴۲۱۳۹۵
رده‌بندی دیویی	: ۶۱۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۰۳۹۰۲



امشارات شور سمیر

طب فریدی

بر کوشش: محمد تقوی

مجموعه احیای میراث پزشکی اسلام و ایران / ۲۶

زیر نظر: ولته جلال جان سلوپی

ناشر: منشور سمیر

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول-۹۵

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۸۳-۳-۹۷۷

www.manshoorsamir.ir

حق چاپ: ۱۳۹۵، امشارات شور سمیر شماره ملی تاس: ۹۳۶۱۷۷۷۱۱۹-۰۹۳۶۶۶۵۶

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آن‌ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

مقدمه

۱۱

باب ۱ - در علاج درد سر که از گرمی باشد

۲۱

باب ۲ - در علاج درد سری که از سردی باشد:

۲۷

باب ۳ - در علاج صداع که حادث شود از گرمی آفتاب.

۳۸

باب ۴ - در علاج درد نیمسر یعنی شقیقه

۴۱

باب ۵ - در علاج سدر و دوار.

۴۸

باب ۶ - در علاج بیات

۵۲

باب ۷ - در علاج سودا.

۵۴

باب ۸ - در علاج اسهال سردی و آن «لیشرغس» است.

۵۵

باب ۹ - در علاج سهر

۵۷

باب ۱۰ - در علاج سرسام

۶۴

باب ۱۱ - در علاج نسیان

۶۶

باب ۱۲ - در علاج مالیخولیا

۷۱

باب ۱۳ - در علاج صرع

۷۵

باب ۱۴ - در علاج سکنه

۸۵

باب ۱۵ - در علاج فالج

۸۹

باب ۱۶ - در علاج لقوه

۹۶

باب ۱۷ - در علاج تشنج

۱۰۳

باب ۱۸ - در علاج کزاز

۱۰۷

باب ۱۹ - در علاج رعشه

۱۱۰

باب ۲۰ - در علاج خنذر

۱۱۵

باب ۲۱ - در علاج اختلاج

۱۱۹

- ۱۲۱ باب ۲۲ - در علاج استرخا
- ۱۲۷ باب ۲۳ - در علاج نزلات
- ۱۳۳ باب ۲۴ - در علاج وسواس
- ۱۳۵ باب ۲۵ - در علاج بیضه
- ۱۳۷ باب ۲۶ - در علاج عشق
- ۱۳۸ باب ۲۷ - فی المانیة
- ۱۴۰ باب ۲۸ - در علاج قُطْرُب
- ۱۴۲ باب ۲۹ - در علاج کایوس
- ۱۴۵ باب ۳۰ - در علاج سر-ی سر
- ۱۴۶ باب ۳۱ - در علاج اه السببان
- ۱۴۸ باب ۳۲ - در علاج غطاس
- ۱۴۹ باب ۳۳ - در علاج قروح رأس
- ۱۵۳ باب ۳۴ - در علاج سدد دماغ و نخاع
- ۱۵۶ باب ۳۵ - در علاج خُمَار
- ۱۶۵ باب ۳۶ - در علاج تفرقاتصال که حادث شود سر
- ۱۶۷ باب ۳۷ - در علاج رمد
- ۱۷۵ باب ۳۸ - در تدبیر دواهای مانع انصباب مواد طرف چشم:
- ۱۷۸ باب ۳۹ - در علاج ضعف بصر
- ۱۸۰ باب ۴۰ - تاریکی چشم
- ۱۸۴ باب ۴۱ - در علاج سَبَل:
- ۱۸۶ باب ۴۲ - در علاج ظَفَر [ه]
- ۱۸۸ باب ۴۳ - در علاج طَرَفه:
- ۱۹۱ باب ۴۴ - در علاج دمعه
- ۱۹۴ باب ۴۵ - در علاج شعیره
- ۱۹۶ باب ۴۶ - در علاج برده

۱۹۷	باب ۴۷ - در علاج جرب
۲۰۱	باب ۴۸ - فی العشاء
۲۰۴	باب ۴۹ - فی الجسا
۲۰۶	باب ۵۰ - فی الغرب
۲۰۸	باب ۵۱ - در علاج ضعف بصر
۲۱۱	باب ۵۲ - در علاج بیاض
۲۱۶	باب ۵۳ - در علاج نزول الماء
۲۲۲	باب ۵۴ - در غشاوه
۲۲۵	باب ۵۵ - در علاج کُفَّة
۲۲۶	باب ۵۶ - در علاج غشائت اجفان و غلط آن
۲۲۷	باب ۵۷ - در علاج ثَنُون
۲۲۹	باب ۵۸ - در علاج قَمُور در دین
۲۳۰	باب ۵۹ - در علاج شعر منقلب
۲۳۲	باب ۶۰ - در علاج انتشار پلک‌ها
۲۳۴	باب ۶۱ - در علاج القمل و القمقام در پاک چشم
۲۳۶	باب ۶۲ - در علاج سلاق
۲۳۹	باب ۶۳ - در علاج حِکْه چشم و ماق
۲۴۱	باب ۶۴ - در علاج قروح
۲۴۴	باب ۶۵ - در دواهای جالی آثار قروح را
۲۴۶	باب ۶۶ - در علاج کمنه
۲۴۹	باب ۶۸ - در علاج جُحوظ
۲۵۰	باب ۶۹ - در علاج زُرْفه
۲۵۱	باب ۷۰ - در علاج انتشار
۲۵۳	باب ۷۱ - فی الضیق
۲۵۴	باب ۷۲ - فی الاتساع

٢٥٥	باب ٧٣ - فى الشتره
٢٥٦	باب ٧٤ - فى الديله
٢٥٨	باب ٧٥ - فى التوته
٢٥٩	باب ٧٦ - فى السعفه
٢٦٠	باب ٧٧ - فى النمله
٢٦١	باب ٧٨ - فى السرطان
٢٦٢	باب ٧٩ - فى الشرناق
٢٦٣	باب ٨٠ - فى الدما
٢٦٤	باب ٨١ - فى بياض الهذب
٢٦٥	باب ٨٢ - فى الخيال
٢٦٦	باب ٨٣ - فى الغده
٢٦٧	باب ٨٤ - فى استرخاء الجفن
٢٦٨	باب ٨٥ - فى الجهر
٢٦٩	باب ٨٦ - فى الشرى
٢٧٠	باب ٨٧ - فى الخفش
٢٧١	باب ٨٨ - فى ورم العين
٢٧٣	باب ٨٩ - فى صغر العين و ذبولها
٢٧٤	باب ٩٠ - فى وجع الأذن
٢٧٨	باب ٩١ - فى ورم الاذن
٢٧٩	باب ٩٢ - فى سد الاذن
٢٨٠	باب ٩٣ - فى الطرش و الصمم
٢٨١	باب ٩٤ - فى الدوى و الطنين
٢٨٢	باب ٩٥ - فى قروح الاذن
٢٨٤	باب ٩٦ - فى الضربه و الصدمه
٢٨٥	باب ٩٧ - فى الرطوبة الجاريه من الاذن

- باب ٩٨ - في دود الاذن ٢٨٦
- باب ٩٩ - في دخول الماء في الاذن ٢٨٧
- باب ١٠٠ - في الريح الباردة يصيب الاذن ٢٨٨
- باب ١٠١ - في الورم الحادث في خلل الاذن ٢٨٩
- باب ١٠٢ - في دخول الحيوان و غيره في الاذن ٢٩٠
- باب ١٠٣ - في الرُعاف ٢٩١
- باب ١٠٤ - في ورم الانف و حكه ٢٩٢
- باب ١٠٥ - في الخشم ٢٩٣
- باب ١٠٦ - في الدم الذي يرايد في الانف ٢٩٤
- باب ١٠٧ - في سيلان الدم من الانف ٢٩٥
- باب ١٠٨ - في بواسير الانف ٢٩٦
- باب ١٠٩ - في نتو الشفص و قروح الفم ٢٩٧
- باب ١١٠ - في اكله الفم ٢٩٨
- باب ١١١ - في استرخاء اللثة و ترسوع الاسنان و تعلقها ٢٩٩
- باب ١١٢ - في وجع الاسنان ٣٠٠
- باب ١١٣ - في تاكل الاسنان ٣٠١
- باب ١١٤ - في ضرر ٣٠٢
- باب ١١٥ - في الحفر ٣٠٣
- باب ١١٦ - في النجر ٣٠٤
- باب ١١٧ - في سيلان اللعاب من افواه الصبيان ٣٠٥
- باب ١١٨ - في اللثة الداميه و الوارمه ٣٠٦
- باب ١١٩ - ورم اللهاة و اللوزتين ٣٠٧
- باب ١٢٠ - في العلق المتعلق بالحلق ٣٠٨
- باب ١٢١ - في خنازير الحلق ٣٠٩
- باب ١٢٢ - في ثقل اللسان ٣١٠

- باب ١٢٣ - فى ورم اللسان ٣١١
- باب ١٢٤ - فى القلاع ٣١٢
- باب ١٢٥ - فى الضفدع الحاصل تحت اللسان ٣١٣
- باب ١٢٦ - فى بطوء الكلام ٣١٤
- باب ١٢٧ - فى خشونة اللسان ٣١٥
- باب ١٢٨ - فى استرخاء اللسان ٣١٦
- باب ١٢٩ - فى بحث الصوت ٣١٧
- باب ١٣٠ - فى قول الصوت ٣١٨
- باب ١٣١ - فى الربو وضيق النفس ٣١٩
- باب ١٣٢ - فى نفث الدم ٣٢٠
- باب ١٣٣ - فى السيل ٣٢١
- باب ١٣٤ - فى السعال الحار ٣٢٢
- باب ١٣٥ - فى السعال البارد ٣٢٣
- باب ١٣٦ - فى السعال اليابس ٣٢٤
- باب ١٣٧ - فى سعال الصبيان ٣٢٥
- باب ١٣٨ - فى ضعف القلب ٣٢٦
- باب ١٣٩ - فى الغشى ٣٢٧
- باب ١٤٠ - فى الخفقان ٣٢٨
- باب ١٤١ - فى ورم الثدي ٣٢٩
- باب ١٤٢ - فى تعقد اللبن ٣٣٠
- باب ١٤٣ - فى قلت اللبن ٣٣١
- باب ١٤٤ - فى المانع من عظم الثدي ٣٣٢
- باب ١٤٥ - فى ضعف المعده ٣٣٣
- باب ١٤٦ - فى وجع المعده ٣٣٤
- باب ١٤٧ - فى لهب المعده ٣٣٥

- ۳۳۶ باب ۱۴۸ - فی ورم المعده
- ۳۳۷ باب ۱۴۹ - فی الفواق
- ۳۳۸ باب ۱۵۰ - فی الغثیان
- ۳۳۹ باب ۱۵۱ - فی العطش
- ۳۴۰ باب ۱۵۲ - فی رطوبة المعده
- ۳۴۱ باب ۱۵۳ - فی برد المعده
- ۳۴۲ باب ۱۵۴ - فی نفخ المعده و ریاحها
- ۳۴۳ باب ۱۵۵ - فی قیء الدم
- ۳۴۴ باب ۱۵۶ - فی الجثث الحامض
- ۳۴۵ باب ۱۵۷ - فی خرقه سوره
- ۳۴۶ باب ۱۵۸ - فی قروح المعده
- ۳۴۷ باب ۱۵۹ - فی ضعف السبد
- ۳۴۸ باب ۱۶۰ - فی وجع الکبد
- ۳۴۹ باب ۱۶۱ - فی ورم الکبد
- ۳۵۰ باب ۱۶۲ - فی صلابه الکبد
- ۳۵۱ باب ۱۶۳ - فی سدد الکبد
- ۳۵۲ باب ۱۶۴ - فی سواقنيه
- ۳۵۳ باب ۱۶۵ - فی الاستسقاء الزقی
- ۳۵۴ باب ۱۶۶ - فی استسقاء لحمی
- ۳۵۵ باب ۱۶۷ - فی خروج السره
- ۳۵۶ باب ۱۶۸ - فی الطحال
- ۳۵۷ باب ۱۶۹ - فی وجع الطحال
- ۳۵۸ باب ۱۷۰ - فی ورم الطحال
- ۳۵۹ باب ۱۷۱ - صلابه الطحال
- ۳۶۰ باب ۱۷۲ - فی وجع الجنب البارد

- باب ۱۷۳ - فی المَغَص ۳۶۱
- باب ۱۷۴ - فی السَّحَج ۳۶۲
- باب ۱۷۵ - فی اسهال الصفراوی ۳۶۳
- باب ۱۷۶ - فی اسهال الکبد ۳۶۴
- باب ۱۷۷ - فی اسهال المزمن ۳۶۵
- باب ۱۷۸ - فی قروح الامعا ۳۶۶
- باب ۱۷۹ - فی ادویة القابضة ۳۶۷
- باب ۱۸۰ - در قولنج ۳۶۸
- باب ۱۸۱ - فی الدیدان و الحیات ۳۶۹
- باب ۱۸۲ - فی وجع النبی ۳۷۰
- باب ۱۸۳ - فی قروح الحمی ۳۷۱
- باب ۱۸۴ - فی الرمل و الحصى ۳۷۲
- باب ۱۸۵ - فی ورم الکلی ۳۷۳
- باب ۱۸۶ - فی وجع المثانة ۳۷۴
- باب ۱۸۷ - فی حصاة المثانة ۳۷۵
- باب ۱۸۸ - فی حرقة البول ۳۷۶
- باب ۱۸۹ - فی سلسل البول و تقطیر و ادرار آن ۳۷۷
- باب ۱۹۰ - فی عسر بول خطمی ۳۷۸
- باب ۱۹۱ - فی بول الدم و جموده فی المثانة ۳۷۹
- باب ۱۹۲ - فی ورم المقعد ۳۸۰
- باب ۱۹۳ - فی قروح المقعد ۳۸۱
- باب ۱۹۴ - فی البواسیر ۳۸۲
- باب ۱۹۵ - فی الجماع و الشهوة ۳۸۳
- باب ۱۹۶ - فی قَلَت منی ۳۸۵
- باب ۱۹۷ - فی الادویة المغلظة ۳۸۶

- باب ١٩٨ - فى الكسلان بعد الجماع ٣٨٧
- باب ١٩٩ - فى قروح الأنثيين ٣٨٨
- باب ٢٠٠ - فى الفتق ٣٨٩
- باب ٢٠١ - فى القيلة و الادرة ٣٩٠
- باب ٢٠٢ - فى وجع الرحم ٣٩١
- باب ٢٠٣ - فى ورم الرحم ٣٩٢
- باب ٢٠٤ - اختناق الرحم ٣٩٣
- باب ٢٠٥ - فى قروح الرحم ٣٩٤
- باب ٢٠٦ - فى البرص السائلة من الرحم ٣٩٥
- باب ٢٠٧ - فى ملابى الرحم ٣٩٦
- باب ٢٠٨ - فى الادوية المضية للرحم ٣٩٧
- باب ٢٠٩ - فى الادوية المينة على الحبل ٣٩٨
- باب ٢١٠ - فى ادوية المانعة من الحمل ٣٩٩
- باب ٢١١ - فى الادوية المانعة من سقوط الجنين ٤٠٠
- باب ٢١٢ - فى المسهلة للولادة ٤٠١
- باب ٢١٣ - فى اخراج الجنين الميت ٤٠٢
- باب ٢١٤ - فى اوجاع المفاصل الباردة ٤٠٣
- باب ٢١٥ - فى النقرس الحار ٤٠٤
- باب ٢١٦ - فى النقرس البارد ٤٠٥
- باب ٢١٧ - فى عرق النساء ٤٠٦
- باب ٢١٨ - فى وجع الورى ٤٠٨

طب فریدی اثری است از حکیم فریدالدین، از پزشکان فارسی‌نویس هندوستان که این اثر را به زبان فارسی و در ۲۱۸ باب در اواخر قرن ۱۲ و یا اوایل قرن ۱۳ هجری نگاشت. این کتاب در سال ۱۹۵۰ میلادی در مدراس هند به تصحیح عبدالقادر احمد به چاپ رسید و فرهنگ الفاظ کتاب نیز بدان افزون گشت. اطلاعات زیادی از مؤلف اثر در دست نیست. حکیم فریدالدین با تألم به اسلاف خود که سرچشمه دانش آنها تعلیمات استادان ایرانی مهاجر از مکاتب پزشکی شهر همدان و گیلان بود، تالیفات طبی خود را به زبان فارسی یعنی زبان علمی و دیوانی هند در زمان حیات خود به مسلمان نوشت.

این کتاب در واقع داروهای ساده و مرکب در زمینه بیماری‌های مختلف - همچون بیماری‌های چشم، حاد یک‌چهارم حجم کتاب را در بر می‌گیرد - است که روش استفاده از داروها نیز به همراه آن ذکر شده است. با این حال چاپ سربی کتاب نواقصی داشت که در اینجا حتی الامکان در رفع آنها سعی شده است. بدیهی است که سبک و سیاق نگارش این کتاب با زبان فارسی حال حاضر تفاوت کمی دارد و باعث شد در برخی موارد (هرچند معدود) مقصود نویسنده بر ما معلوم نگردد. طب فریدی در عین اختصار و ساده‌نویسی بسیار غنی و سرشار از داروهای مفرد و مرکب قابل استفاده در بیماری‌ها و در حد خود راهنمای بسیار خوبی در درمان‌شناسی مبتنی بر طب سنتی است. مؤلف برای بیماری با ذکر انواع داروهای مفرد و احياناً مرکب، روش کارگیری دارو را با الفاظ اختصار آورده است و میزان مصرف داروها را نیز در برخی موارد ذکر کرده است. فریدالدین در مواردی نیز راهکارهای درمانی پزشکان برجسته پیش از خود همچون بقراط، جالینوس، زکریای رازی، طبیری (احتمالاً علی بن ربن)، ثابت بن قره، علی بن عیسی و ابن ماسویه و پزشکان کم‌نام و نشان - تری همچون ابن‌بختری، ابن‌هیشم، حریری و ابن‌جوزی اشاره کرده و در چند مورد نیز از محی‌الدین عربی (د. ۶۳۸ق) از عالمان مسلمان در فقه و حدیث و تصوف نقل‌قول کرده است.

همچنین در مواردی نیز راهکارهای درمانی ارائه شده را به پیامبر اکرم (ص) نسبت داده است. مؤلف گاه در درمان بیماری، یک شیوه درمان ارائه کرده (مثل شیاف، طلا، سفوف، کحل و...) و ذیل آن داروهایی را که با آنها باید این درمان صورت بگیرد ذکر می‌کند. فریدالدین در برخی از موارد نیز با آوردن کلمه «مجرّب» یا «صحیح» یا «بالخاصه» در پایان دستور دارویی، اطمینان خود از آن درمان را بیان می‌کند. بیش از چهل شیوه استعمال دارو در این کتاب ذکر شده است که از این حیث آگاهی‌های خوبی درباره شیوه تجویز دارو ارائه می‌کند. نویسنده به ذکر میزان مصرف داروها نیز توجه داشته و واحدهای اندازه‌گیری داروها (نظیر اوقیه، درهم، قیراق، مثقال، دانه و...) را ذکر کرده است.

چاپی که پیش از این از طب فریدی در هندوستان صورت گرفته بود نیاز به برخی ویرایش‌های املائی و نگارشی داشت که به برخی از این اصلاحات اشاره می‌شود:

برخی کلمات به صورت به هم چسبیده و یا بر شکل کهن خود نوشته شده بودند که در تصحیح صورت گرفته، به شکل امروزی درآمدند: تبدیل «ازو» به «از او»؛ «کاو» به «که او»؛ «برانی» به «برای»؛ جدا نوشتن فعل «است» که در چاپ سرب به کلمه قبل خود چسبیده بود و جز در مواردی ضروری نبود؛ جدا نوشتن حرف «ه» که به حرف «د» از خود چسبیده بود؛ جانشین کردن فعل «گذاشتن» به جای «گزاردن» که نویسنده به اشتباه «گزاردن» را که به معنی «انجام دادن» دارد به جای «گذاشتن» که معنی «قرار دادن» دارد استفاده کرده بود که در بعضی نمونه‌ها به انجام این تصحیح اشاره شده ولی در هر جا که «گذاشتن» به کار رفته از مصحح است؛ گاه کلماتی که به «هسته» ختم می‌شوند همچون «گفته» و «خسته» (شکل کهن کلمه «هسته») در چاپ سربی به شکل «گفته» و «خسته» آمده‌اند که در اینجا به شکل اصلی خود نوشته شده‌اند. در چاپ سربی، هر دارو با خطی در بالای آن از جمله قبل خود جدا شده است؛ با این حال در مواردی متعدد این تفکیک صورت نگرفته و نام و خواص یک دارو در ادامه خواص داروی قبلی ذکر شده که لزوم این جداسازی در این تصحیح مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین در مواردی برای فهم بهتر جملات، عبارت یا حروف ربط در داخل [] آمده که همگی از مصحح است. توضیحاتی در مورد برخی لغات دشوار در متن و همچنین معادل امروزی برخی از داروهای یاد شده در کتاب، در پاورقی ذکر شده است که در کنار فهرستی از واژه‌ها که در تصحیح قبلی کتاب در پایان ترتیب داده شده می‌تواند خوانندگان را در فهم بهتر این اثر یاری کند.

در مواردی که دستور تجویز در مورد دو دارو که به صورت متوالی ذکر شده‌اند یکسان است، نویسند از اند «نیز» و یا «مثله» و یا «ایضاً» برای داروی دوم استفاده کرده که در اینجا برای حفظ پیوستگی متن، آن دو با یکدیگر ذکر شده‌اند. مثلاً: برود حصرم: کحلاً. شیاف أحمر: نیز. که در اینجا به این صورت آمده است: برود حصرم و شیاف أحمر: کحلاً. همچنین نشانه - گذاری نام برخی از داروهای از مصحح است.

در پایان جا دارد از استاد عزیزم سرانجام نوری که کلاس تاریخ علم ایشان در دوره کارشناسی تأثیر زیادی در علاقه‌مندی من به این حوزه از تاریخ علم داشت قدرانی کرده و برایشان آرزوی توفیق داشته باشم. همچنین از زحمات و لطف بی‌پایان جناب آقای دکتر یوسف بیگ باباپور نهایت تشکر و قدردانی را دارم و نیز رات تشکر خود را به تمامی دوستان پر توان در بنیاد علمی شکوهی اعلام می‌دارم. به امید موفقیت و توفیق برای همه عزیزان.

محمد نقوی - مهرماه ۱۳۹۴